

روایت مادر بزرگ محله فلسطین که هر شب با نوه‌هایش در تجمعات شبانه محله حاضر می‌شود

آموختن همدلی به نسل Z



راه تجربه

که امام راحل (ره) گفتند، بشوم ولی چون سن کمی داشتم. ثبت نامم نکردند. حالا این روزها که کشور ما درگیر جنگ تحمیلی سوم شده است، دست نوه‌هایم را می‌گیرم و به خیابان می‌آورم تا آن‌ها درس مقاومت و ایستادگی را بیاموزند.

● آرامش بخش‌ترین کار این روزها

بچه‌ها خودشان با عشق و علاقه حضور در تجمعات را انتخاب کرده‌اند و هر یک با توجه به استعداد و توانایی‌اش دست به خلاقیتی می‌زند. بزرگ‌ترها شعارنویسی را برعهده گرفته‌اند. تعدادی از دخترها در گروه سرود شبانه فعال هستند و سرود «سلام فرمانده» را می‌خوانند و پسرها هم عروسک تانیاها و ترامپ را درست می‌کنند و شب‌ها به آتش می‌کشند یا وظیفه پرچم‌گردانی را برعهده گرفته‌اند. بچه‌های همسایه هم شب‌ها وقتی طاهره خانم و نوه‌ها قصد رفتن به تجمع را می‌کنند، همراه آن‌ها می‌شوند تا درس صبر و ایستادگی بیاموزند.

طاهره خانم می‌گوید: یک بسیجی باید همیشه احساس مسئولیت کند و بچه‌ها با همراهی، این حس را درونشان تقویت می‌کنند. آن‌ها هر شب قبل از آمدن، درس‌هایشان را می‌خوانند و تکالیفشان را انجام می‌دهند تا پدر و مادرشان برای رفتن به تجمع به آن‌ها اجازه بدهند. حضور با بچه‌ها و پاسداشت ارزش‌های انقلاب و آموختن آن به نوه‌ها و فرزندان همسایه‌ها، این شب‌ها آرامش بخش‌ترین کاری است که می‌توانم انجام دهم.

● خیابان، سنگر ماست

طاهره طهماسبی، بانوی پیشکسوت محله فلسطین، هر شب رأس ساعت ۲۰ همراه تعدادی از نوه‌هایش راهی تجمعات مقابل مسجد المهدی (عج) می‌شود. او خودش را خدمتگزار این مسجد می‌داند و علاوه بر حضور مستمر در تجمعات شبانه، کمک دست بقیه نیروهاست.

طاهره خانم ۱۱ نوه دارد که یکی از آن‌ها در همان روزهای ابتدایی جنگ به دنیا آمده است.

او می‌گوید: دختر کوچکم تهران زندگی می‌کند و با شروع جنگ به مشهد آمد و همین جعفرزندی‌نجمش را به دنیا آورد. از همان زمان که خبر شهادت رهبر را شنیدیم، منقلب شدیم و از همان شب هم در تجمعات حاضر شدم.

حالا نوه‌های دختری‌اش پای ثابت همراهی با او هستند و بقیه نوه‌ها نیز هر زمان که مهمان‌اش باشند، با او هم قدم می‌شوند. آن‌ها همگی با هم راهی خیابان می‌شوند تا دین خود را به رهبر شهید، انقلاب و میهن ادا کنند؛ زیرا طاهره خانم معتقد است امروز خیابان سنگر ماست.

طاهره خانم زمان جنگ تحمیلی ساکن تهران بوده است و به یاد دارد که چطور مردم زمان انقلاب و جنگ تحمیلی پشت هم بودند. او می‌گوید: جزو اولین گروه بانوانی بودم که همه آموزش‌های نظامی را دیدم و می‌خواستم جزو ارتش بیست میلیونی

صدرا طاهره طهماسبی، بانوی شصت و سه ساله ساکن محله فلسطین، از همان شب نخست شکل‌گیری تجمعات، هر شب رأس ساعت ۲۰ همراه نوه‌هایش، خود را به مسجد المهدی (عج) می‌رساند. آن‌ها در کنار دیگر اهالی، در شعار دادن و پرچم‌گردانی شرکت می‌کنند تا دین خود را به پرچم و سرزمینشان ادا کنند.

برای او نوه‌هایش، این حضور تنها یک فعالیت ساده نیست؛ تجربه‌ای مهم برای آشنا شدن نسل جوان با مفاهیمی مانند ایثار، ایستادگی و از خودگذشتگی است. طاهره خانم می‌گوید: وقتی کودکان در کنار بزرگ‌ترها قرار می‌گیرند، بهتر می‌آموزند که چگونه برای حفظ امنیت کشورشان مسئولانه رفتار کنند. حضور منظم آن‌ها روی دیگر کودکان محله نیز اثر گذاشته است و بسیاری از آن‌ها با دیدن همراهی این خانواده، به جمع شرکت‌کنندگان پیوسته‌اند.



گزارشی از کلاس‌های رفع اشکال دبستان «استاد شهریار» در فضای معنوی محله فدک

تخته سیاه زیر طاق مسجد

یادگیری، آن‌ها را به مسجد کشانده است. این سومین هفته‌ای است که کلاس‌ها برگزار می‌کنیم و پیش‌بینی می‌شود تا اوایل خرداد بیبهشت، این روند ادامه یابد.

وی ادامه می‌دهد: خانواده دانش‌آموزان پایه اول درخواست برگزاری کلاس‌های حضوری را دارند. طبق پیگیری معلمان این دوره، این کلاس‌ها هم برگزار خواهد شد تا رفع اشکال برای آن‌ها نیز انجام شود.

● آموزش، فراتر از یک وظیفه اداری

فرنگیس صابیراد، معلم ریاضی با ۲۵ سال سابقه کار، از معضلات آموزش مجازی دل‌پری دارد. او می‌گوید: آموزش از راه دور به بنیة علمی بچه‌ها ضربه زده است. محدودیت‌های سامانه‌ها شاد در ارسال محتوا و قطع و وصل شدن‌های مداوم، هم برای ما، هم برای والدین و بچه‌ها فرساینده است.

صابیراد که حالا در فضای متفاوت مسجد به تدریس ریاضی مشغول است، ادامه می‌دهد: اگرچه اینجا امکانات مدرسه را ندارد، همین‌که چهره‌ها به چهره یادانش‌آموزان حرف می‌زنیم، غنیمت است. معلمان حالا دوروبر وقت می‌گذارند؛ هم باید محتوای مجازی تولید کرده و هم در فضای حقیقی رفع اشکال کنند. ارتباط ما با دانش‌آموزان حالا شبانه‌روزی شده است.

حمیده صفائی‌اصدای همهمه دانش‌آموزان، این بار نه از حیاط پرچنب و جوش مدرسه، که از شبستان مسجد به گوش می‌رسید. در روزگاری که سایه سنگین جنگ، درهای مدارس را به روی دانش‌آموزان بسته است، در قلب محله فدک، سنگری متفاوت بنامشده؛ سنگری از جنس کتاب و دفتر در مسجد امام حسن (ع) معلمان دبستان دوره اول و دوم «استاد شهریار» آستین همت بالا زده‌اند تا اجازه ندهند القاب دانش‌درهیا هوی حوادث گم شود.

● آموزش حضوری در روزهای سخت

فاطمه دادور، مدیر دبستان دوره اول و دوم استاد شهریار، در حالی که بر روند برگزاری کلاس‌ها نظارت می‌کند، از ضرورت این اقدام می‌گوید. او معتقد است که هیچ چیز جای حضور فیزیکی معلم را نمی‌گیرد و توضیح می‌دهد: برای دروس تخصصی، کلاس‌های رفع اشکال دایر کرده‌ایم. در حال حاضر، همکاران پایه اول و ششم جدی‌تری پای کار هستند. پایه ششم به دلیل حساسیت عبور از مقطع ابتدایی، هفته‌ای دو روز و سایر کلاس‌ها هفته‌ای یک روز برای رفع اشکال می‌آیند.

او با اشاره به اینکه حدود ۶۰ نفر در کلاس‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند، می‌افزاید: سامانه شاد با مشکلات فنی متعددی روبه‌روست و همین مسئله باعث شده است دانش‌آموزان از کلاس‌های حضوری استقبال چشمگیری کنند. با اینکه حضور اجباری نیست، میل به

● جایی برای فهمیدن و دوباره دیدن

در گوشه‌ای از مسجد، زینب محمودی، دانش‌آموز پایه ششم، با دقت به تخته سیاه موقتی چشم دوخته است. او می‌گوید: آموزش ریاضی در فضای مجازی سخت است و ما خیلی از مباحث را نمی‌فهمیدیم. خودمان از مدرسه خواستیم که کلاس حضوری بگذارند.

او با لحنی کودکانه اضافه می‌کند: معلم‌های ما خیلی زحمت می‌کشند و واقعاً نمی‌دانم با چه هدیه‌ای محبتشان را جبران کنیم.

مشکلات زیرساختی، خانواده‌ها را هم کلافه کرده است. مادر ایسا جوکار، دانش‌آموز پایه ششم که از برگزاری این کلاس‌ها خوشحال است، درباره چالش‌های اینترنت برایمان می‌گوید: در خانه ما آنتن دهی بسیار ضعیف است. د ختم ساعت هادر فضای مجازی منتظر می‌ماند اما نمی‌تواند وارد کلاس شود. کلاس‌های رفع اشکال در مسجد، بار بزرگی از روی دوش ما برمی‌دارد و به آموزش بچه‌ها کمک شایانی می‌کند.